

تورات و انجیل، عبارت اند از تجلی و ظهور قرآن

شماره ۱۸۳

«تورات و انجیل که بر موسی و عیسی علیهما السلام فرستاده شدند، چیزی به غیر از قرآن نیستند؛ بلکه آنها نیز تجلی و ظهور قرآن در این عالم جسمانی هستند. تفاوت بین آنها، مقام قابل و پذیرنده‌ای است که قرآن را در این عالم آشکار کرده است؛ یعنی محمد و عیسی و موسی علیهم السلام. از این رو که شان محمد صلی الله علیه و آله از جهت اخلاص بزرگ‌تر است و از جهت مقام، از آنچه آشکار نموده است بالاتر است؛ از جهت شان و مرتبه بزرگ‌تر و بالاتر و تمام‌تر و کامل‌تر از چیزی است که موسی یا عیسی علیهم السلام آشکار کرده‌اند. به همین خاطر تورات و انجیل عبارت‌اند از: اجزای قرآن، و قرآن بر آنها و محتوایشان حاکم است.» (سید احمد الحسن، عقاید اسلام، صفحه ۳۲۰).

سلسله مقالات پاسخ به موسی بن میمون | قسمت چهارم

پاسخ به ادعای یگانگی تمام دست‌نوشته‌های کتاب مقدس

رب الارباب بودن در مکاشفه یوحنا

قسمت اول

عقاید غلوآمیز درباره ویژگی‌های
معصوم

آیا انسان اشرف مخلوقات است؟



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان‌آوردگان است.»

پیام خرد

فهرست

آیا انسان اشرف مخلوقات است؟..... ۳

سلسله مقالات پاسخ به موسی بن میمون
| قسمت چهارم..... ۵

عقاید غلوآمیز درباره ویژگی‌های معصوم..... ۸

رب الارباب بودن در مکاشفه یوحنا | قسمت اول..... ۱۴



هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۸۳، جمعه ۵ مرداد ۱۴۰۳،
۲۰ محرم ۱۴۴۵، ۲۶ ژولای ۲۰۲۴
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:
WWW.VARESin.ORG
WWW.ALMAHDYOON.CO



هرگونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

ان صرحت اولو الامر الاخوان المحترمين
السلامة والسلامة والسلامة

آیا انسان اشرف مخلوقات است؟

به قلم: مجتبی انصاری

اجداد انسان امروزی تا دو میلیون سال پیش موجودی همانند سایر جانوران بود. درگوشه‌ای از آفریقا زندگی می‌کرد. در میانهٔ زنجیرهٔ غذایی قرار داشت. شکارچی حیوانات دیگر بود ولی خودش طعمه‌ای برای درندگان محسوب می‌شد. گاهی برای سیرکردن شکم خود مجبور بود کیلومترها راه برود و دانه‌های خوراکی گیاهان را جمع کند. این سبک زندگی انسان اولیه باعث شده تا او را شکارگر-خوراک‌جو بنامند.

امروز انسان حاکم قطعی زمین شده است. خودش را اشرف مخلوقات می‌نامد. بر زمین و سایر موجودات حکم می‌راند. به انرژی اتم پی برده، قدرت نابودی زمین را به دست آورده و به دنبال تسخیر فضا است. بیشترین جمعیت در بین پرندگان متعلق به مرغ خانگی است که در مرغداری‌ها برای تأمین خوراک پرورش داده می‌شود. زمین‌های حاصلخیز در تصرف «هموساپینس» است تا دانه‌های خوراکی مورد نیاز خود را بکارد و مصرف کند. می‌توان چنین پیشرفتی را به مغز انسان نسبت داد. مغز ابزار هوشمندی است و تکامل سریع آن در مدت حدود دو میلیون سال باعث تسلط انسان بر جهان شده است. این هوشمندی منجر شده تا انسان ابزارهایی را بسازد و بر سایر جانوران برتری پیدا کند: اگر چنگالی برای شکار ندارد، اما شکار سابق خود را -که امروزه خودش آنها را پرورش می‌دهد- به تیغ‌های تیز کشتارگاه‌ها می‌سپارد. اگر پوست محکم یا دارای تیغ یا پشم ندارد تا از او در مقابل شکارچیان و سرما و گرما حفظ کند، اما از پوست و خز و چرم دباغی‌شدهٔ حیوانات دیگر بهترین و زیباترین لباس‌ها را می‌سازد و می‌پوشد و از سرما و گرما و گزیدگی دور می‌ماند. اگر در دوندگی از یوزپلنگ و اسب و شترمرغ عقب می‌ماند، اما با خودروهای معمولی هم از آنها پیش می‌افتد. از این دست مثال‌ها فراوان است که نشان می‌دهد انسان امروزی توانسته با ساختن ابزارهای مختلف از سایر گونه‌ها پیشی بگیرد.

پس چرا گفته می‌شود که انسان اشرف مخلوقات است؟

چرا بعضی از مفسران، آیه ۴ سوره تین را که می‌فرماید **(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)** [۱] به معنای برتری انسان نسبت به سایر موجودات گرفته‌اند؟ و چرا به آیه بعدی توجه نمی‌کنند که می‌فرماید: **(ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ)** [۲] (سپس او را به پایین‌تر مرحله برگرداندیم)؟

خلاصه پاسخ چنین است: انسان اشرف مخلوقات است اما نه تمام انسان‌ها، بلکه انسانی که راه انسانیت را ببیماید. اما اگر کسی انسانیت خود را فراموش کند و به خواسته‌های جسمانی خود مشغول شود، از بدترین مخلوقات هم بدتر خواهد بود.

سید احمد الحسن در کتاب «توهم بی‌خدایی» می‌فرماید: «... **(لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ)** [۱]: «احسن تقویم» ناظر به شکل و توانایی جسمانی نیست، بلکه این عبارت یعنی انسان به صورت خدا آفریده شده است و صورت خدا، صورتی جسمانی یا مثالی نیست؛ صورت خدا یعنی تجلی اسماء الهی...»

حقیقت همین است؛ خدا به انسان -به تمام انسان‌ها- شاه‌کلیدی اعطا فرموده است که تمام درب‌ها را می‌گشاید و انسانیتش را پایدار می‌نماید. او با این کلید می‌تواند درب‌ها را یکی پس از دیگری بگشاید و از نوری به نور بزرگ‌تر از آن رهسپار شود تا به نوری برسد که ظلمتی در آن راه ندارد. از سوی دیگر وی قادر است به سادگی هرچه تمام‌تر، این کلید را به زمین بیندازد و به حیوانیت و ددمنشی خویش بازگردد و به این ترتیب خود را هم‌ردیف میمون قرار دهد؛ همان‌طور که در قرآن آمده است: **(وَجَعَلْ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ)** [۳] (و بعضی را بوزینه گردانیده است)...

... ممکن است آن‌قدر به قهقرا برود که فقط ارواح حیوانی در او باقی بماند؛ همانند میمون یا حتی به فروترین سطح‌ها بخزد، همانند کرم‌هایی که چه بسا درکشان فقط به سوراخ‌های بدنش محدود است: سوراخی برای غذا، سوراخی برای خروج فضولات و سوراخی برای اعمال جنسی. متأسفانه گاهی اوقات ممکن است انسان نیز همین‌گونه گردد، [۴]

منابع:

- ۱- قرآن کریم، سوره تین، آیه ۴.
- ۲- قرآن کریم، سوره تین، آیه ۵.
- ۳- قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۶۰.
- ۴- احمد الحسن، توهم بی‌خدایی، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

آیا با این ویژگی‌ها اشکالی دارد که بگوییم انسان اشرف مخلوقات است؟

آنچه مطرح شد به هوش و فناوری و تسلط باز می‌گردد. شرافت به کدامشان گفته می‌شود؟

آیا آلوده کردن محیط زیست و نابود کردن زمین شرافت است؟

آیا جنگ‌ها و تسلط و غارت منابع زمین و دسترنج سایر انسان‌ها شرافت است؟

هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد اقدامات انسان امروزی را شرافت بداند. بلکه شاهد اوج خودخواهی و خودپسندی این جانور دویاییم. درحالی‌که این حد از خودخواهی و جنایت را در درنده‌ترین حیوانات هم شاهد نیستیم. واقعیت این است که هوشمندی و سلطه بر منابع جهان به معنای شرافت نیست و انسانی که خود را در این سطح تنزل می‌دهد شریف محسوب نمی‌شود. همچنین افزایش سطح دانش و سواد هم اگر همراه با افزایش انسانیت نباشد، نه تنها چیزی بر آن شرافت نمی‌افزاید، بلکه ممکن است بیش از پیش باعث سقوط او شود. هستند پزشکیانی که عامدانه باعث مرگ بیماران خود شده‌اند. هستند مهندسانی که با ساخت بناهای نایمن مردم را به کام مرگ کشیدند. هستند سیاستمدارانی که با سیاست‌های نادرست باعث جنگ و آوارگی و کشتار شده‌اند و هستند فقهایی که با رأی و اجتهاد خود دیگران را تکفیر کرده، فتوا به قتل آنها داده‌اند.



سلسله مقالات پاسخ به موسی بن میمون | قسمت چهارم

پاسخ به ادعای یگانگی تمام دست‌نوشته‌های کتاب مقدس

به قلم: یرهوشوع ربوبی

متون باقی‌مانده از

دست‌نوشته‌های آرامی و یونانی

نشان می‌دهد ابن میمون یا عمر

خود را در نادانی می‌گذراند یا در آن

نامه قصدش فریب‌کاری بود



در ادامه به بررسی کلمات دیگر موسی بن میمون می‌پردازیم. او می‌گوید:

«از آنجایی که مسلمانان نتوانستند در کل کتاب مقدس دلیلی بیابند یا اشاره‌ای یا کنایه‌ای به پیامبرشان ذکر کنند که بتوانند از آن استفاده کنند، ناچار شدند ما را متهم کنند و گفتند «شما متن تورات را تغییر داده‌اید و هر اثری را که نام محمد در آن بوده از بین برده‌اید.» آنها نتوانستند چیزی قوی‌تر از این استدلال شرم‌آور پیدا کنند که نادرستی آن با حقایق زیر به راحتی برای همه ثابت می‌شود. اول، کتاب مقدس صدها سال قبل از ظهور محمد به سریانی، یونانی، فارسی و لاتین ترجمه شد.

دوم، درباره متن کتاب مقدس هم در شرق و هم در غرب سنت واحدی وجود دارد؛ در نتیجه هیچ تفاوتی در متن، حتی در آواز وجود ندارد زیرا همه آنها صحیح‌اند. همچنین هیچ تفاوتی در معنا وجود ندارد. از این رو انگیزه اتهام آنها در غیاب هرگونه اشاره‌ای به محمد در تورات نهفته است.»

پایان نقل قول.
او دو موضوع را ادعا کرد و بنابراین به آنها می‌پردازم.

• اول. دست‌نوشته‌های غیر عبری و ترجمه‌شده پیش از محمد ﷺ

موسی بن میمون گفت:

«کتاب مقدس صدها سال قبل از ظهور محمد به سریانی، یونانی، فارسی و لاتین ترجمه شد.» پایان نقل قول.

می‌گوییم:

در قرن ۱۹ دست‌نوشته‌های کهن کتاب مقدس و مربوط به صدها سال پیش از تولد محمد ﷺ پیدا شد که در بین آنها دست‌نوشته‌هایی به زبان‌های آرامی یا سریانی و نیز یونانی وجود دارد. گرچه آنها آسیب جدی دیده‌اند؛ اما متون باقی‌مانده از دست‌نوشته‌های آرامی و یونانی نشان می‌دهد که ابن‌میمون یا عمر خود را در نادانی می‌گذراند یا در آن نامه قصدش فریب‌کاری بود! با دو مثال نشان می‌دهم:

اول. ویقرا (لاویان)

در دست‌نوشته 4Q119 Sep- *tuagint Leviticus*^a که به زبان یونانی است، در آدرس‌های ۲۶:۳ و ۲۵:۱۱ و ۱۲:۱۳ نبود یگانگی با متن کتاب مقدس عبری رواج یافته روشن است. [۱]

دوم. دانیال

در دست‌نوشته 4Q115 Dan- *iel*^d که به زبان آرامی است، در آدرس‌های ۳:۲۵؛ ۷:۱۹ نبود یگانگی با متن مرسوم را می‌توانیم پی ببریم. [۲]

بنابراین دست‌نوشته‌های کتاب مقدسی به زبان‌های آرامی و یونانی یافت شدند که مربوط به پیش از ظهور محمد ﷺ بودند و آنها با متن متداول عبری یکسان نیستند.

• دوم. دست‌نوشته‌های عبری پیش از محمد ﷺ

موسی بن میمون در ادامه گفته بود:

«درباره متن کتاب مقدس هم در شرق و هم در غرب سنت واحدی وجود دارد؛ در نتیجه هیچ تفاوتی در متن، حتی در آواز وجود ندارد زیرا همه آنها صحیح‌اند. همچنین هیچ تفاوتی در معنا وجود ندارد.» پایان نقل قول.

می‌گوییم:

اینجا سؤالی مطرح می‌شود که اساساً ابن‌میمون چگونه می‌گوید متن کتاب مقدس در شرق و غرب هیچ تفاوتی ندارد؟! باید بگویم اینکه بزرگان یهودی بر سر یک نسخه به توافق برسند و بخواهند آن را در همه جا رواج دهند کار آسانی است! اما او چرا به دست‌نوشته‌های عبری دیگر که حتی پیش از محمد ﷺ بود اشاره نکرد؟! و نگفت آنها با یکدیگر اختلاف داشتند؟!

پیش‌تر به بخشی از اختلافات بین دست‌نوشته‌های غیر عبری با متن عبری رایج پرداخته شد؛ حالا قصد دارم به تفاوت‌های طومارهای کشف‌شده عبری با متن مرسوم عبری - که بر سر آن توافق دارند - اشاره کنم و باید بگویم کم نیستند؛ از آنجاکه نمی‌توانم همه آنها را اینجا بیاورم، از هر بخش از تنخ یک کتاب را به همراه برخی آدرس‌هایی می‌آورم که با متن سنتی تفاوت دارد؛ یعنی از بخش تورا، شموت (خروج) و از نوییم (انبیا) کتاب یشعیا و از کتوبیم (مکتوبات) کتاب تهیلیم (مزامیر) را انتخاب کردم.

• شموت

در دست‌نوشته 4Q14 Exodus^c به آدرس‌های ۹:۲۲ و ۳۱؛ ۱۰:۲ و ۱۵ نبودن مطابقت با متن سنتی رایج روشن است. [۳] همچنین در دست‌نوشته 4Q20 Exodus^d

دستبرد کاتبان نیز بوده است. -۴



دوم. گواهی غیرمسلمانان به خیانت یهودیان -۵



نه تنها مسلمانان، بلکه مسیحیانی که پیش از ظهور پیامبر اسلام ﷺ زندگی می‌کردند گواهی به تحریف تنخ توسط یهودیان می‌دهند! یوحنا ی ملقب به زرین‌دهان [۱۴] و همچنین جاستن [۱۵] که دو تن از پدران کلیسا شناخته می‌شوند، به این موضوع گواهی داده‌اند!



• کلام پایانی

موسی بن میمون در نامه خود ادعای مسلمانان را در خصوص دستبرد یهودیان به کتاب مقدس شرم‌آور خواند! البته مشخص شد شرم‌آور دقیقاً ادعاهای گزاف او بود؛ زیرا نه تنها مشخص شد که دست‌نوشته‌های پیش از محمد ﷺ با یکدیگر اختلاف داشتند و این خود نشان از ورود افکار و امیال انسانی درون کتاب مقدس است، بلکه اشاره شد که کتاب مقدس حاوی اشتباهات علمی است و علاوه بر آن دو تن از پدران کلیسا نیز به دستبرد یهودیان به کتاب مقدس گواهی داده‌اند. در نتیجه پوچ بودن کلمات ابن میمون روشن است.

-۱۵



منابع:

-۱



-۲



-۳



به آدرس ۵:۸ نیز [۴]؛ همچنین می‌توانیم در دست‌نوشته 4Q22 PaleoExodus^m به آدرس‌های ۱۸:۷؛ ۲۳:۸؛ ۱۹:۹؛ ۱۰:۲ و ۲۱:۵ به نبود انطباق با متن سنتی پی ببریم. [۵]

• یسعیا

در دست‌نوشته 1Q Isaiah^a آدرس‌های ۱:۷ و ۱۵:۲؛ ۲:۳ و ۴:۹ و ۱۲ و ۲۰؛ ۴:۵ و ۶ با متن سنتی مطابقت ندارد. [۶] همچنین در دست‌نوشته 1Q Isaiah^b آدرس‌های ۱۱:۴۱؛ ۱۲:۵۳؛ ۱۹:۶۰ و ۲۰:۶۲ و ۸۰ این چنین است [۷] و در دست‌نوشته 4Q55 Isai-ah^a آدرس‌های ۲۱:۷؛ ۲۳:۲ نیز [۸].

• تهیلیم

در دست‌نوشته 4Q83 Psalm-^s آدرس‌های ۱۱:۳۸ و ۱۵ با متن سنتی مطابقت ندارد. [۹] همچنین در دست‌نوشته 4Q92 Psalms^k آدرس‌های ۱۳۵:۶ و ۱۰ هم [۱۰] و در دست‌نوشته 11Q5 Psalms^a آدرس‌های ۱۳۵:۱ و ۱۸ و ۲ و ۲۱ نیز [۱۱].

• دو نکته پایانی

در کنار آنچه بیان شد، دو نکته دیگر را ارائه می‌کنم:

اول. اشتباهات علمی

در تورات اشتباهات علمی را یافت می‌کنیم؛ نظیر آنچه درباره طوفان نوح آمده است [۱۲] یا آنچه درباره آفرینش حوا عَلِیْهَا از دنده آدم [۱۳] می‌بینیم! سید احمد الحسن در یکی از کتب خود با دلایل محکم نشان می‌دهد که چرا این‌ها غلط است و در نهایت مشخص می‌شود توراتی که در دستان ابن میمون بود، شامل

۱۲- توهم بی‌خدایی، نوبت انتشار دوم، فصل پنجم، در تورات علت طوفان نوح، دینی و ناشی از خشم الهی است، ص ۴۰۹-۴۱۱؛ همچنین رجوع کنید به همان فصل، مبحث «برخی اشکالات علمی بر داستان عامیانه دینی طوفان»، ص ۳۸۵ و مبحث «مکان طوفان نوح»، ص ۴۱۵ و مبحث «لنگرگاه کشتی نوح عَلِیْهَا» (دلیمون، جودی، آرات)، ص ۴۱۸.

۱۳- همان، فصل سوم، مقوله آفرینش حوا از دنده آدم... در یک رویارویی علمی، ص ۱۹۵.

۱۴- موعظه ۹ بر انجیل متی، بخش ۶

عقاید غلوآمیز دربارهٔ ویژگی‌های معصوم

به قلم: نوردخت مهدوی



مقدمه

بر منابر رفته و می‌گویند: امامی که شما منتظرش هستید چنین خواهد بود:

سایه ندارد، از رحم مادر متولد نمی‌شود و از ران راستش متولد می‌شود، بول و غائط نمی‌کند، گوشت بدنش را درندگان نمی‌خورند، جای پایش روی سنگ می‌ماند و روی خاک نرم نمی‌ماند، به همهٔ زبان‌ها مسلط است، همهٔ غیب را می‌داند، بر روی آب راه می‌رود، دچار سهو و نسیان نمی‌شود، صورتش مشعشع از نور است (نور مطلق است)، روزی‌اش همیشگی از آسمان می‌آید و نیازی ندارد به کار کردن در این عالم، بیمار نمی‌شود، آتش نمی‌گیرد، با بشقاب پرنده می‌آید، از زمانی که متولد می‌شود همه‌چیز را می‌داند و سواد خواندن و نوشتن دارد و نیازی به تعلیم علوم اکتسابی در این عالم عِلل و اسباب ندارد. راه می‌رود و پشت‌سرش معجزه‌ها روان می‌شوند (گویی سیرک است و معصوم هم ملعبهٔ دستانشان که بنشینند و معجزهٔ درخواستی ببینند و بگویند یکی دیگر هم نشانمان بده تا ببینیم تو واقعاً از جانب خدایی) و ... و ... و ...

یعنی خداوند به ما ركب زده و در صورتی که شیر موجود بوده برای شناخت امام، ما را به قانون ثابتی برای شناخت حجت‌هایش در قرآن سوق داده!! (که البته درصدد بیانش در اینجا نیستم).

ظاهراً این افراد از یاد برده‌اند اسب‌ها که از نوع حیوانات اهلی‌اند، سینه حسین علیه السلام را لگدکوب کردند! گویی خود را به فراموشی زده‌اند که نوع بشر انگشت مبارکش را به خاطر انگشتی قطع کرد و ده‌ها تیر پرتاب جسم بی‌جان، گویی نوحه‌های خود را از یاد برده‌اند در جسم پاره‌پاره علی اکبرش، در چاک‌چاک شدن گلوی علی اصغرش و شکسته شدن فرق سر عباسش!! روضه نمی‌خوانم، از درد سخن می‌گویم... دردی که بر جان نشسته تا صبح قیامت از غم حسین علیه السلام و عقیده فاسدی که ردای امامت و خلافت را از تنش به در می‌کند.

اهل غلومی گویند:

به عنوان مثال آمده است: (ما خاندان اوصیا در شکم‌ها باردار نمی‌شویم و در سینه‌ها باردار می‌شویم و از رحم بیرون نمی‌آییم و از ران راست مادرمان بیرون می‌آییم). با توجه به کاری که این بی‌خردان انجام می‌دهند، لازم است که به این متن کلمه به کلمه اعتقاد داشته باشند؛ با وجود اینکه روایات و دعاهایی از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است که بطلان این ادعا را ثابت می‌کند. مثال:

«أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا» «شهادت می‌دهم که تو نوری در صلب‌های پر آوازه و رحم‌های پاک بودی و

کجا سر در آورده‌اند؟ آیا این خصوصیات ما را به شناخت امام می‌رساند؟ یعنی اگر روزی امام مهدی علیه السلام بیاید باید دنبالش راه بیفتیم ببینیم آیا ایشان اجابت مزاج می‌کند تا او را بشناسیم؟ (خدایا به تو پناه می‌بریم) آیا در قرآن به این موارد اشاره شده که امروز بر منابع می‌شنویم؟ یا ماجرا به شرح دیگری است و دکان دستگاہ عده‌ای است که می‌دانند، اما هدفی ندارند جز کشتن معصوم در هر زمانی!!

منشأچنین عقایدی کجاست؟

این خصوصیات را غلات (غالیان) [۱] بر زبان جاری ساخته و تا به امروز نزد برخی شیعیان دهان‌به‌دهان می‌چرخد؛ شاهدمثالش را در دعوت سید احمدالحسن، وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام به وضوح شنیده‌ام که می‌گویند:

بیایید جمع شویم و احمدالحسن را در قفس شیرها ببندازیم و ببینیم اگر شیرها گوشت بدنش را نخوردند و رهایش کردند، پس او معصوم است؛ یعنی شیر و حیوانات درنده باغ وحش شده‌اند مرجع امام‌شناسی!! و زمانی که معصوم را در قفسش انداختند شیر با خودش فکر کند آیا گزش بگیرد یا رهایش کند، از گوشتش بخورد یا برایش زانو بزند؟ یا به چشمانش نگاهی معصومانه ببندازد و با لبخندی از او گذر کند و زیرچشمی به همه حالی کند او امامتان است، من که رهایش کردم، باوجود اینکه گرسنه‌ام از گوشتش هم نمی‌خورم، پس دورش جمع شوید و تسلیم اوامرش باشید!!

نکته حائز اهمیت اینکه این خصوصیات را ویژگی‌های دائمی و همیشگی همراه معصوم می‌پندارند و می‌گویند امامتان این‌گونه شناخته می‌شود؛ یعنی نوعی معجزه دائمی؛ معصوم می‌آید و این موارد برایش عیان و آشکار است!!!

این‌ها را می‌گویند و با فریب‌کاری مردم را به سمت شخصیتی تخیلی می‌کشاند. تصورشان به حدی اغراق‌گونه است که دست همه کارگردان‌های فیلم‌های هندی را از پشت بسته‌اند و معصوم را بازیگر ژانرهای و رای ژانرهای معمایی و اکشن می‌بینند. حال من با نوشتن این جملات، شبیه حال «مهران مدیری» کارگردان و بازیگر طنز کشورمان است که در فیلم‌هایش هر زمان به مسئله عجیب‌گرایی برمی‌خورد، دوربین را نشانه می‌رفت و برای لحظاتی به آن زل می‌زد تا شاید کمی از عمق فاجعه را بکاهد. این شخصیت تخیلی با این اوصاف را نه قرآن توصیف کرده و نه روایات متواتر آل محمد علیهم السلام... و این‌گونه برگردۀ مردم سوار می‌شوند تا هر فرستاده‌ای را که آمد به راحتی تکذیبش کنند، آواره‌اش کنند، به صلیبش کشند، با اسب بر سینه‌اش بتازند، با زهر مسمومش کنند و خود بر اریکه قدرت بنشینند و سرمست باده سلطنتی موقتی به ریش من و شما بخندند!

در این مجال مختصر سعی داریم به این مسائل بپردازیم که:

آیا حقیقتاً معصوم سایه ندارد؟ آیا از او فضولاتی که از سایر مردم خارج می‌شود، خارج نمی‌شود؟ آیا گوشت بدنش را درندگان نمی‌خورند؟! آیا باید همه زبان‌ها را بدانند؟! ... اصلاً این عقاید از

کرد برادرش هارون کنارش باشد و با او به سمت فرعون برود؟! [۶]

(وَاجْعَلْ لِي وَاِزْرًا مِّنْ اَهْلِي * هَارُونَ اَخِي * اَشْدُدْ بِهٖ اُزْرِي * وَاشْرِكْهُ فِيْ اَمْرِي) [۷]

یا اگر عیسی علیه السلام چنین صفات معجزه‌گونی را دارا بود، پس چرا در پایش بودند که به صلیب کشند؟! اگر جای پای علی علیه السلام بر سنگ می‌ماند و بر خاک نرم اثری نمی‌کرد، چه نیازی داشت به جنگ با ناکتین و قاسطین و مارقین؟! و در عوضش به معرفی‌نامهٔ رسول خدا برای خویش استدلال کرد جهت اثبات جانشینی‌اش. آیا برای ایشان شایسته نبود به چنین ویژگی‌های به‌زعم آنان همیشگی و غیر قابل منفک از حجج استناد کند؟

اندکی برایت می‌گویم و تو را رها می‌کنم در دریای عظیم علم سید احمدالحسن [۸] تا بخوانی و بدانی آیا معصوم در هر زمانی با این موارد شناخته می‌شود؟ بخوان و نگذار فرصت دانستن را از تو بگیرند.

معصومینی که در باغ وحش شناخته می‌شوند!!

مرا دردیست اندر جان که گر گویم زبان سوزد
وگر پنهان کنم دانم که مغز استخوان سوزد

پیش‌تر در همین مقاله برایتان نوشتم مرجع تشخیص و امام‌شناسی معتقدان به این عقیده، شیر و حیوانات درنده است یعنی اوست که برای ما تعیین می‌کند شخصی اطاعتش واجب است یا خیر؟! عقیدهٔ عجیب‌گرایی که در فسادش همین بس که ردای خلافت و

نیست که برایتان بازگو کنم. صفحهٔ فرستادگان الهی پیش روی ما باز است، بخوانیم و تفکر کنیم شاید از مهلکهٔ افکار مسموم خود را رها کنیم و با معصوم زمان خود به‌درستی همراه شدیم.

حال، اگر شمایی که این سطور را می‌خوانی جزو افرادی هستی که به چنین عقایدی پایبندی، برای دقایقی به سؤالاتی که می‌پرسم فکر کن:

اگر حضرت محمد صلی الله علیه و آله به همهٔ زبان‌ها مسلط بود، چرا خود، قرآن را به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه نکرد؟! اصلاً چرا آن نامه‌های کوتاه به حکام کشورها را به زبان خود آن حکام ننوشت تا گواهی باشد بر رسالت و پیامبری‌اش؟! [۳]

اگر امام حسین علیه السلام چنین صفاتی را داشت، چرا اسب‌ها بر پیکر بی‌جانش متوقف نشدند، بلکه با حضور سوارکارانی از جنس بشر سینه‌اش را شکافتند؟

اگر امام صادق علیه السلام همهٔ زبان‌ها را می‌دانست، چرا با وجود خیل عظیم شاگردان فارسی‌زبانش آیات قرآن را به فارسی ترجمه نکرد؟! [۴] اصلاً در قرآن تفکر کرده‌اید؟ یا فقط آن را خوانده‌اید تا بگویید خب امسال هم چند دور قرآن را ختم کردم و به خیال خود اجر و ثواب چندبرابری هم نزد خدا داری!!

اگر حضرت موسی علیه السلام سایه نداشت و این صفت از صفات همیشگی همراهش بود، شما را به خدا دیگر چه نیازی به معجزهٔ عصا و تبدیلسش به مار داشت؟! [۵]

اصلاً چرا موسی علیه السلام از خدا طلب

جاهلیت تو را با نجاست‌هایش نجس و آلوده نکرده است،» [۲]

معصوم در سینه‌ها باردار می‌شوند و از ران راست مادر خارج می‌شود!!! هرطور به آن نگاه می‌کنم نمی‌توانم یک زن را آن هم مادر معصوم را این‌گونه تصور کنم!! ظاهراً پدیدهٔ زایمان را هم این بی‌خردان نفهمیده‌اند. این دیگر چه عقیدهٔ زشت و نفرت‌انگیزی است!

عقاید غلوآمیزی که در نوع خود شاهکارند

شاهکارند؛ چون وقتی به عمق ماجرا می‌اندیشی می‌بینی آن‌ها امام را به‌گونه‌ای تصور می‌کنند که گویی در جهان علل و اسباب همیشه کارش به شکلی پیش می‌رود که دهان‌ها برایش از تعجب وا می‌ماند؛ تاجایی که هر که او را ببیند جلو رفته دست بیعت دراز می‌کند و تسلیمش می‌شود. من نمی‌دانم اگر این‌گونه است پس چرا هر نبی، امام و وصی‌ای که آمد، رنجی جانکاه تحمل کرد از جماعت جاهلی که به‌زعم گفته‌های اینان، همهٔ این موارد را برای معصوم دیدند و با او به بدترین شکل ممکن مواجه شدند تاجایی که در طائف، فرزندانشان را به سمت پیامبر اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرستادند تا صورتش را با یرتاب سنگ‌های ریز و درشت غرق در خون کنند!! تاجایی که عیسی علیه السلام فقط ۱۲ نفر حواری داشت که یکی‌اش هم توزرد از آب درآمد؛ تاجایی که حسین علیه السلام فقط هفتاد و دو تن یار داشت و با فجیع‌ترین شیوه او را کشتند؛ تاجایی که یحیی علیه السلام را سر بریدند؛ و تا آنجا که بنی‌اسرائیل قوم پیامبرکش معرفی شدند. کجای کارید!! این مصیبت‌ها یکی و دو تا

تخریب می‌کند و افراد باید بعد از گذر معصوم از این مکان‌ها، همه را تعمیر کنند و امام معصوم هم هزینه پردازد؛ هی آنان بسازند و هی معصوم گذر کند و تخریب کند و این چرخه هر روز در محل زندگی معصوم اتفاق بیفتد!! گویی زمین مردم کشتزار است و پای امام هم تراکتور!!

با این توصیف خوش به حال مردمی که مزرعه دارند و امام داخل در مزارع آن‌ها می‌شود و تراکتوروار زمینشان را شخم می‌زند و نیازشان را برای یکی از ادوات کشاورزی یعنی تراکتور برطرف می‌کند و آن‌ها هم لابد پشت سرش راه می‌روند و بذر می‌پاشند در زمینشان و مزرعه‌شان هم گلستان می‌شود!!

شما را به خدا خنده‌تان نمی‌گیرد؟! تاجایی که عقیده آنان بر این است که چنین صفتی باید همیشه همراه او باشد حتی قبل از اینکه به سمت مردم برانگیخته شود. راستی، فراموش کردم بگویم از دید این افراد نه تنها پای معصوم که کفش او هم باید این خصوصیت را دارا باشد، البته اگر نگوییم همه کفش‌های او!! آخر معصوم که همه جا نمی‌تواند پابره‌نه راه برود.

جسمی بدون سایه

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) [۱۰] (بگو من هم مثل شما بشری هستم و [الی] به من وحی می‌شود که

فرق شما با آن جماعت رذل که با همین عقاید منحرف خواستند بگویند اسب هم بر سینه‌اش تازانندیم، پس خدای حسین که ادعای خلافت الهی دارد کجاست که نجاتش دهد از این مصیبت؟ پس او حقی در خلافت الهی ندارد و جزو خلفای خدا نیست که اگر این‌گونه بود، این چنین مصیبت‌ها بر حسین سرازیر نمی‌شد و خداوند حرمتش را نگه می‌داشت! نه عزیز من، نه! نمی‌شود که بگویی حسینی هستم و به پیاده روی اربعین می‌روم و برای اندوه جانکاهش، همچون مادرمرده‌ای گریه می‌کنم و بر این عقیده هم پایبندم که درندگان از گوشت خلیفه خدا نمی‌خورند. آنچه بر حسین علیه السلام گذشت آشکارا بطلان عقیده فاسد شما را هویدا می‌کند. وای بر عقاید منحرفی که عرق شرم بر جبین آدمی پدیدار می‌کند. کاش سکوت می‌کردید و در سکوت خود می‌مردید؛ چراکه شما و تفکر فاسدتان درگاهی گشوده برای کشتن معصوم در هر زمانی هستید.

زمین مردم کشتزار است و پای امام تراکتور!

یکی دیگر از عقاید فاسد و غلوآمیز درباره ویژگی‌های همیشگی معصوم این است که می‌گویند: جای پای معصوم بر سنگ باقی می‌ماند ولی بر خاک نرم اثری ندارد.

با خیال من بیایید تا تصور کنیم چگونگی رخداد این عقیده را:

معصوم بر سنگ‌فرش‌های خیابان‌ها و مکان‌های عمومی و مساجد و خانه‌های مردم راه می‌رود و با توجه به این عقیده غلط، جای پاهایش که قرار است باقی بماند بر زمین سخت، همه چیز را

امامت را از تن حسین بن علی علیه السلام خارج می‌کند؛ حسینی که قتیل العبرات است، ذبیح الله است، قربانی عرش خداست، فدایی قضیه امام مهدی علیه السلام است؛ همو که نام طاهر و مبارکش در وصیت شب وفات پیامبر اکرم، به‌عنوان وصی‌ای از اوصیایش می‌درخشد.

چگونه بر این باورید؟ و چگونه بر آن پافشاری می‌کنید؟ اگر درندگان از جسد و گوشت خلیفه خدا نمی‌خورند پس چرا حسین علیه السلام، خود می‌گوید:

«گویا گرگ‌های حریص دشت‌های نواوپس و کربلا را می‌بینم که بندبند جسم را از هم گسسته، شکمبه‌های تهی و مشک‌های خالی خود را از آن انباشته کنند. از آنچه با قلم تقدیر الهی رقم خورده، گریزی نیست.» [۹]

باید بدانید این عقیده فاسد شما «محلی از اعراب ندارد»؛ چراکه زینب کبری علیها السلام، آن بانوی مصیبت‌دیده می‌گوید:

«این دست‌ها به خون ما آلوده است و این دهان‌ها برای خوردن گوشت ما به آب افتاده است و درندگان بیابان سهم خود را از آن بدن‌های پاک و پاکیزه می‌برند.»

آیا چنین نشد؟؟ مگر اسب‌ها سینه مبارکش را لگدکوب نکردند؟ با اینکه اسب حیوانی اهلی است!! چگونه امروز بر این عقیده فاسد به‌عنوان صفتی همیشگی برای معصوم پافشاری می‌کنید، در صورتی که بر منابر رفته و لعن می‌کنید کسانی که با اسب بر سینه حسین تاختند؟

به یغما ببرند.

عقاید فاسد و منحرفی که در این مجال مختصر به آن پرداخته شد -البته برخی از آن‌ها که پیشنهاد می‌شود جهت مطالعه بیشتر نسبت به این عقاید فاسد؛ همچون (خلیفه خدا و دانستن همه زبان‌ها) به کتاب عقاید اسلام سید احمدالحسن مراجعه شود- نه تنها دلیلی برای شناخت امام یا معصوم بر زمین نیست، بلکه از دو ثقل گران‌بهایی که رسول مکرّم اسلام، رحمة للعالمین، حضرت محمد مصطفی ﷺ برای امت خویش جهت هدایت برجای گذاشته‌اند، هیچ بهره‌ای ندارند؛ چراکه خداوند متعال در قرآن اشاره صریح و واضحی دارد بر اینکه حجت‌های خدا، در صفات جسمانی بشری همچون سایر مردم‌اند [۱۱] و در کلام اهل بیت عصمت و طهارت هم چیزی خلاف قرآن مشاهده نمی‌شود تا آنجاکه علی بن موسی الرضا ﷺ، خورشید هشتم می‌فرمایند:

«امام با روح القدس تأیید شده و بین او و خداوند، ستونی از نور است که ایمان بندگان را در آن می‌بیند. و هر زمانی که برای راهنمایی به آن نیازمند باشد، از آن آگاه می‌شود و برایش گسترش داده می‌شود، در نتیجه می‌داند؛ و از او گرفته می‌شود، در نتیجه نمی‌داند. امام متولد می‌شود و فرزنددار می‌شود و سالم می‌ماند و بیمار می‌شود و می‌خورد و می‌نوشد و ادرار و مدفوع می‌کند و ازدواج می‌کند و می‌خوابد و فراموش می‌کند و سهو و اشتباه می‌کند و خوشحال می‌شود و ناراحت می‌شود و می‌خندد و گریه می‌کند و زنده می‌شود و می‌میرد و وارد قبر می‌شود و زیارت می‌شود و محشور می‌شود و ایستاده می‌شود

تشکیل می‌شود؟ هرگاه جسم کدری مقابل یک چشمه نور قرار گیرد در پشت جسم، فضای تاریکی ایجاد می‌شود که به آن سایه می‌گویند.

جسم چیست؟ به کالبد بدنی من و شما در این عالم جسمانی می‌گویند که دارای جرم و وزن مشخصی است و چگالی دارد.

حال که دانستیم سایه و جسم چیست؟ با توجه به این تعاریف و کلام خداوند متعال در قرآن که معصوم را از جنس بشر می‌داند، این خصوصیات باید بر هر بشری صدق کند و گرنه قانون و قاعده عالم جسمانی بر او تطبیق پیدا نمی‌کند.

سخن پایانی

هدف از نوشتن این مقاله، آگاهی دادن به بخشی از جامعه است که خود را اسیر عقاید فاسد و مغالطه‌هایی کرده که آنان را از طریق مستقیم دور می‌کند. خداوند متعال اهل ركب زدن به بندگان نیست، صراط مستقیمش راهنمایی دارد از جنس بشر با خصوصیات بشرگونه؛ و در ساحت عدالتش این نیست که افرادی را دلیل راه قرار دهد که هیچ قرابتی با جنس بشر ندارند که اگر این‌گونه بود، خب فرستادگان را از جنس ملائک قرار می‌داد. اصلاً چه کاری بود که خدا نورچشمی‌هایش را بفرستد و این‌گونه ظالمانه با آن‌ها برخورد کنند؟ چطور می‌اندیشند کسانی که به خود اجازه می‌دهند صفات بشرگونه را از فرستادگان الهی بگیرند، جز اینکه در دوری مردم از معصوم به دنبال جایگاهی برای خود هستند تا بر آنان حکومت کنند و بر گرده مردم سوار شوند و مردم برده آنان شوند و آن‌ها را نه فقط از طریق دنیا چپاول کنند که آخرتشان را هم

خداي شما خدایي یگانه است، پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد).

بگو من هم بشری مثل شما هستم؛ یعنی خصوصیات بشر را دارا هستم و یکی از خصوصیات جسم بشری وجود سایه است.

حال، اگر امام سایه نداشته باشد لباس‌هایش را چه کنیم؟ لباس‌هایش هم نباید سایه داشته باشند؟ لباس‌های مهمانی‌اش چطور؟ لباس‌هایی که با آن‌ها در گفت‌وگوهای رسمی ظاهر می‌شود؛ مثل کت و شلوارش؟ باران که می‌بارد امام برای جلوگیری از خیس شدن چتر بر سر می‌گیرد، چترش هم نباید سایه داشته باشد؟ راستی عمامه‌اش چطور؟ البته اگر عمامه داشته باشد. در آخر امام با لباس و عمامه در بین مردم راه می‌رود و این‌ها هم که سایه دارند. این‌طور هم نیست که امام فقط با یک لباس در بین مردم حضور یابد، پس این گفته آن‌ها مستلزم این است که نه تنها جسم امام، بلکه عمامه و همه لباس‌هایش نیز نباید سایه داشته باشد!! حتی وقتی لباس‌ها شسته می‌شوند و زیر نور آفتاب قرار می‌گیرند هم نباید سایه داشته باشند!! حتی زمانی که امام لباسش را به کسی می‌بخشد نیز! و این یعنی نه تنها یک معجزه بلکه باید معجزاتی پی‌درپی داشته باشیم تا همه این‌ها مرتفع شوند، گویا فیلم سینمایی هندی است و امام هم در سینمای بالیوود!! کما اینکه در سینما و فیلم‌های بالیوودی هم آدم‌ها سایه دارند.

اما سایه چیست؟ و چه زمانی

۴. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، ص ۳۶۵ و ۳۶۶.
۵. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، مبحث خلیفه خداوند و دانستن همه زبان‌ها، ص ۲۵۹.
۶. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، مبحث خلیفه خداوند و دانستن همه زبان‌ها، ص ۲۵۹-۲۶۳.
۷. طه، ۲۹-۳۲.
۸. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، مباحث: خلیفه خداوند و صفات معجزه‌آسا؛ خلیفه خداوند در زمین و دانستن همه زبان‌ها؛ معصوم سایه ندارد؛ جای قدم‌های معصوم روی سنگ باقی می‌ماند؛ و درندگان از جسد خلیفه خداوند در زمین نمی‌خورند.
۹. اللهوف فی قتلی الطفوف، ابن طاووس، ص ۳۸؛ کشف الغمه فی معرفة الائمه، اربلی، ج ۲، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۴، ص ۳۶۶ و ۳۶۷- و ص ۳۹۷.
۱۰. کهف، ۱۱۰.
۱۱. کهف، ۱۱۰؛ ابراهیم، ۱۱.
۱۲. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۳.
- ۱۳.



۱۴. (قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ) (ابراهیم، ۱۱).
۱۵. ر.ک: سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، ص ۳۶۴-۳۶۸.
۱۶. فرقان، ۷-۸.

و بر او عرض می‌شود و از او پرسش می‌شود و به او پاداش داده می‌شود و مورد کرامت قرار می‌گیرد و شفاعت می‌کند؛ و نشانه او در دو ویژگی است: در علم و مستجاب الدعوه بودن. [۱۲]

ناگفته نماند سخن در باب دلایل و نشانه‌های شناخت حجج الهی از قرآن و عترت بسیار است که در این مجال نمی‌گنجد. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام و کتبی که در این زمینه تألیف شده مراجعه کنید. [۱۳]

ضمن اینکه ما هیچ‌کجا در طول دعوت‌های حجج الهی ندیده‌ایم زمانی که قوم ایشان با آنان مواجه می‌شدند و می‌گفتند شما که بشری همچون ما هستید، مثل ما سایه دارید، و ... و خصوصیتی ندارید که شما را از ما متفاوت کند، [۱۴] خلفای خداوند در پاسخ به آنان فرموده باشند: خیر، ما بشری مثل شما نیستیم، ما سایه نداریم، و خصوصیات بشری نداریم، بلکه گفتند: (... **إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ...**) (ما جز بشری مثل شما نیستیم)؛ یعنی ما هم سایه داریم، وزن مشخصی داریم، مثل شما ازدواج می‌کنیم، صاحب فرزند می‌شویم، می‌خوریم و می‌نوشیم و در بازارها راه می‌رویم و مردم ما را می‌بینند. [۱۵]

(وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا * أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا) [۱۶] (وگفتند این چه پیامبری است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود. چرا فرشته‌ای به‌سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد * یا گنجی به‌طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از [بار و بر] آن بخورد و ستمکاران گفتند جز مردی افسون‌شده را دنبال نمی‌کنید).

حمد و سپاس تنها از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.

منابع:

۱. غالیان یا غلات (همچنین غلاة) عنوانی برای گروه‌ها و افراد افراطی در مذهب شیعه. در کتاب‌های ملل و نحل، غلو به‌معنای عقیده‌های افراطی در باب ائمه علیهم السلام و رساندن آنها به حد خدایی یا نبوت آمده است.
۲. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، پاورقی، ص ۳۵۷.
۳. سید احمدالحسن، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، مبحث: خلیفه خداوند در زمین و دانستن زبان‌ها، ص ۲۵۸-۲۶۹.

رب الارباب بودن در مکاشفهٔ یوحنا

ا قسمت اول
آیا بزره دانستن امام حسین علیه السلام در کتاب مکاشفه توسط
طباطبایی و عباسی، موجب شد که امام حسین علیه السلام را
خدا تلقی کنند و مشرک شوند؟!

• پیشگفتار

برخی از مخالفان این دعوت مانند علی شریفی ادعا می‌کنند که سید احمد الحسن خود را رب الارباب حقیقی جهان معرفی کرده است. [۱] ریشهٔ این ادعای آنان بر پایهٔ کتاب «نامهٔ هدایت» [۲] است؛ بنابراین به بررسی این ادعا خواهیم پرداخت.

به قلم: ارمیا خطیب



• رب‌الارباب در مکاشفه یوحنا

سید احمدالحسن در کتاب نامه هدایت به نکاتی از آیات عهد جدید - که مسیحیان به آن اعتقاد دارند - می‌پردازد و توضیحاتی درباره این آیات ارائه می‌کند و بیشترین تمرکز را بر کتاب مکاشفه یوحنا می‌گذارد؛ کتابی که در فصل اول آن آمده است:

« ۱ مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا اموری را که می‌باید زود واقع شود بر غلامان خود ظاهر سازد و به وسیله فرشته خود فرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود یوحنا، ۲ که گواهی داد به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح در اموری که دیده بود.»

سید احمدالحسن نشان می‌دهد بره‌ای که یوحنا رسول در رؤیای خود دیده است، برخلاف تصور مسیحیان به مهدی اول اشاره دارد. ایراد مخالفان سید احمدالحسن وقتی شروع می‌شود که یوحنا رسول درباره این بزه می‌گوید:

« ۱۲ و آن ده شاخ که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته‌اند بلکه یک ساعت با وحش چون پادشاهان قدرت می‌یابند. ۱۳ این‌ها یک رأی دارند و قوت و قدرت خود را به وحش می‌دهند. ۱۴ ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد؛ زیرا که او رب‌الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند خوانده شده و برگزیده و امین‌اند.» [۳] و چند فصل جلوتر نیز ما دوباره تکرار این توصیف را درباره بزه - که همان سوار بر اسب سفید است - می‌بینیم:

(و بر لباس و ران او نامی مرقوم است یعنی «پادشاه پادشاهان و رب‌الارباب»). [۴]

مهم است که بدانیم سید احمدالحسن در کتاب نامه هدایت هرگز درباره چرایی توصیف قائم به رب‌الارباب صحبت نکرد! اما مخالفان او که حتی به این متن در کتاب مقدس ایمان ندارند [۵] شروع به تفسیر آن کردند و به این نیز اکتفا نکردند و این را نیز به آن افزودند که چون سید احمدالحسن ادعای رب‌الارباب بودن دارد و این

عبارت هم فقط برای خدا استفاده می‌شود، پس سید احمدالحسن ادعای خدایی کرده است! اما از آنجا که باید مطالب بسیار مهمی را بگویم، فعلاً به بررسی این کلمه نمی‌پردازم.

پس مشخص شد این توصیفی است که از سال‌های طولانی پیش از آنکه سید احمدالحسن کتاب نامه هدایت را بنویسد، درباره منجی بیان شده است.

• مخالفان و استناد به شخصیت بزه در مکاشفه

جالب است که اساتید ادیان آنها به کتاب مکاشفه و شخصیت بزه اشاره می‌کنند و آن را امام حسین علیه السلام می‌دانند!

در اینجا دو فرد را نام می‌برم:

- اول.** سید محمدرضا طباطبایی [۶] شخصیت بزه را به امام حسین علیه السلام تفسیر می‌کند. [۷]
- دوم.** حبیب عباسی [۸] نیز شخصیت بزه را به امام حسین علیه السلام تفسیر می‌کند. [۹]

پس لازم است به این پرسش برسیم که آیا بزه دانستن امام حسین علیه السلام در کتاب مکاشفه توسط طباطبایی و عباسی، موجب شد که امام حسین علیه السلام را خدا تلقی کنند و مشرک شوند؟! قطعاً خیر! و آیا امثال شریفی که به قول حسینی قزوینی می‌گفت: «نه حوزه خوانده نه دانشگاه رفته، سیکل هم نمی‌دانم دارد یا ندارد»، سوادش از متخصص و کارشناس ادیان که تحصیلات حوزوی نیز دارند و در شبکه ولایت کار کرده‌اند بالاتر است؟!!



وابسته به آن) و «عهد جدید» (انجیل و کتب وابسته به آن) آمده است، پذیرفت و نه همه آن قابل انکار است، بلکه مخلوطی است از تعلیمات این دو پیامبر بزرگ، با افکار و اندیشه‌های دیگران» [۱۰] بنابراین نمی‌توان تمامی مطالب کتاب مقدس را از اعتبار ساقط کرد.

• تا اینجا

سه نکته مهمی که تا اینجا بیان شد این است که:

اول. توصیف رب‌الارباب در کتاب مکاشفه درباره منجی جهان بیان شده است (بحث درباره این عبارت در آینده تقدیم می‌شود)

دوم. اساتید مخالف نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند که بزه در مکاشفه یوحنا به امام حسین علیه السلام اشاره دارد و بنابراین صرف این اعتقاد موجب نمی‌شود که به خاطر رب‌الارباب بودن بزه، آنها ادعای لاهوت مطلق داشتن را برای امام حسین علیه السلام داشته باشند!

سوم. نمی‌توان همه مطالب کتاب مقدس را بی‌پایه و اساس و بی‌ارزش دانست.

منبع

-۱



۲- نسخه عربی، ص ۱۴.

۳- مکاشفه، فصل ۱۷.

۴- مکاشفه ۱۹:۱۶.

۵- ایمان ندارند؛ چراکه اگر داشتند حداقل می‌دانستند کلام الهی قائل به الوهیت مطلق بودن یک انسان نیست و اگر انسان با صفت رب‌الارباب وصف شود به معنای ربوبیت مطلق نیست.

۶- او دانش آموخته حوزه علمی قم است که با تخصص در گرایش ادیان، در زمینه مباحث مربوط به ادیان و فرقه‌های نوظهور در عرصه رسانه، پژوهش، تألیف و تدریس فعالیت می‌کند. از سوابق او این است که دو سال کارشناس ادیان در شبکه ولایت بود.

-۷



۸- او تحصیلات خود را تا پایان سطح سه حوزه علمی ادامه داد. زمینه تخصصی کارشناسی او، ادیان و مذاهب است و از سوابق او کارشناسی در شبکه جهانی ولایت را می‌توان نام برد.

-۹



۱۰- تفسیر نمونه، ج ۲۴، بخش «بشارت عهدین و تعبیر فارقلیطا».

• تشکیک شریفی در تمامی مطالب کتاب مقدس

اما موضوع مهم‌تری که وجود دارد این است که ممکن است این تفکر را القا کنند که کتاب مقدس تحریف شده است و به همین خاطر تمام آن بی‌اعتبار است و ارزشی ندارد! همان‌طور که شریفی در تلاش بود این‌گونه القا کند! چرا؟ زیرا اگر به تقدس آن یا بخشی از آن اقرار کند، با این پاسخ مخاطب روبه‌رو می‌شود که اگر آن یک متن مقدس باشد، پس معنی آن همان‌طور که تو فکر می‌کنی نیست! و سید احمد الحسن ادعای لاهوت مطلق بودن ندارد! البته کسی که کتاب مقدس را بخواند به راحتی می‌تواند بگوید که ادعای بی‌اعتبار بودن تمامی کتاب مقدس گزاف و بی‌ارزش است و نشانه بی‌سوادی شریفی و امثال اوست؛ زیرا باورمند به این موضوع، قرآن و احادیث را نیز بی‌اعتبار می‌داند؛ به این دلیل که مطالب بسیاری در تورات و انجیل وجود دارد که منطبق بر تقلین است! همان‌طور که تقدیم شد اساتید آنها نیز چنین ادعایی ندارند!

حتی در کتاب شیخ مکارم شیرازی آمده است:

«ولی با این حال، شک نیست که قسمتی از تعلیمات موسی و عیسی علیهما السلام و محتوای کتب آسمانی آنها، در ضمن گفته‌های پیروانشان به این کتاب‌ها انتقال یافته است، به همین دلیل، نه می‌توان همه آنچه را در «عهد قدیم» (تورات و کتاب‌های

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،

سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.